

علیت و تبیین

استاتیس سیلوس

ترجمه
امیررضا صادقی



نشر کردن

فهرست

۱	یادداشت نویسنده بر ترجمه فارسی
۵	پیش‌گفتار
۹	مقدمه

بخش اول

علیت

۳۵	۱. نظر هیوم درباره علیت
۸۷	۲. انتظام‌ها و علیت تکین
۱۱۹	۳. علیت و خلاف‌واقع‌ها
۱۵۵	۴. علیت و سازوکار

بخش دوم

قوانین طبیعت

۱۹۵	۵. دیدگاه انتظام‌گرایانه به قوانین
۲۲۷	۶. قوانین در مقام روابط میان کلی‌ها
۲۵۵	۷. رویکردهای بدیل به قوانین



بخش سوم
تبیین

- ۳۰۵ ----- ۸. تبیین قیاسی-قانونی
- ۳۳۹ ----- ۹. تبیین آماری
- ۳۷۱ ----- ۱۰. تبیین قوانین
- ۳۹۵ ----- ۱۱. متافیزیک تبیین

- ۴۱۳ ----- یادداشت‌ها
- ۴۴۳ ----- منابع

نظر هیوم دربارهٔ علیت

۱-۱. دیدگاه نظم‌گرایانهٔ علیت

شرح دیوید هیوم از علیت آغازگاه خوبی برای تلاش‌های فلسفی ماست. **گرا** و در این زمینه تاکنون از همه مهم‌تر و اثرگذارتر بوده است. شرح هیوم شرحی فروکاهشی تلقی شده است. این شرح را معمولاً دیدگاه نظم‌گرایانهٔ علیت (RVC) نامیده‌اند.

RVC

c علت e است اگر و فقط اگر

(الف) c از نظر مکانی-زمانی هم‌جوار e باشد؛

(ب) e در زمان پس از c بیاید؛ و

(ج) به‌دنبال تمام رویدادهایی از نوع C (یعنی رویدادهای مشابه c)

به‌نحوی منظم رویدادهایی از نوع E (یعنی رویدادهای مشابه e)

بیاید (یا با آنها دائماً مقارن^۱ باشد).

شیرین در RVC، علیت به مجاورت مکانی-زمانی^۲، توالی^۳ و اقتران

1. conjoined
2. spatiotemporal contiguity
3. succession

مداوم^۱ (نظم) فروکاسته می‌شود. به عبارت دیگر، علیت به واقعیت‌هایی غیرعلیّی فروکاسته می‌شود. یکی از پیامدهای فرعی RVC این است که علیت واجد هیچ ضرورتی نیست: هیچ پیوند ضروری‌ای بین علت c و معلول e وجود ندارد که از پیوند منظمشان^۲ فراتر رود - یا مبنای آن باشد. فیلسوفان برجسته بسیاری از RVC حمایت کرده‌اند و این دیدگاه رسمی هیومی به شمار می‌آید.

قانون علیت ... چیزی جز این حقیقت آشنا نیست که ما از طریق مشاهده درمی‌یابیم توالی ثابتی در طبیعت میان هر واقعیت و واقعیت دیگری که مقدم بر آن است برقرار است. (Mill 1911: 213)

باید از خود بپرسیم: وقتی علیت را مفروض می‌گیریم^۳، آیا ما رابطه علت و معلولی مشخصی را مفروض می‌گیریم، یا صرفاً یک توالی ثابت^۴ را؟ به عبارت دیگر، وقتی من ادعا می‌کنم: «هر رویدادی از رده A علت رویدادی از رده B است»، آیا منظورم صرفاً این است که «به دنبال هر رویدادی از رده A رویدادی از رده B می‌آید» یا چیزی بیش از این مدنظر دارم؟ پیش از هیوم همواره شق دوم انتخاب می‌شد؛ از هیوم به بعد، غالب تجربه‌گرایان شق نخست را برگزیدند. (Russell 1982: 472)

در طبیعت یک چیز دقیقاً پس از چیزی دیگر رخ می‌دهد. جایگاه علت و معلول فقط در آرایش‌های خیالی ما و در مصادیق^۵ این واقعیت‌های اصلی است. (Ayer 1963: 472)

همان‌طور که هیوم اشاره کرد، در دسر علیت این است که هیچ روش روشنی برای تمیز دادن آن از توالی ثابت صرف وجود ندارد. (Quine 1974: 5)

حکم^۶ درباره رابطه علیّی ... چیزی بیش از یک نظم مشاهده‌شده در طبیعت را توصیف نمی‌کند. (Carnap 1974: 201)

1. constant conjunction
3. assume
5. extensions

2. regular association
4. invariable sequence
6. statement

[مطابق نظر هیوم] گفتن اینکه رویداد خاص a علت رویداد دیگر b است، به معنای قرار دادن این دو رویداد ذیل دو نوع A و B است، که ما انتظار داریم همچون گذشته، در آینده نیز به‌طور مداوم مقارن باشند. (Kripke 1974: 67)

رد پای RVC در اندیشه‌ها و گفته‌های خود هیوم قابل پیگیری است؛ برای مثال، فراز مشهوری از چکیده^۱ او از رساله‌ای در باب طبیعت انسان را در نظر بگیرید، که هیوم در آن یکی از مثال‌های محبوبش از علیت را، یعنی تصادم دو توپ بلیارد، به بحث می‌گذارد:

توپ بلیاردی داریم که روی میز افتاده است، و توپ دیگری که با سرعت به‌سوی آن در حرکت است. آن دو برخورد می‌کنند؛ و توپی که در ابتدا بی‌حرکت بود، اکنون به حرکت می‌افتد. این مثال درست به بی‌نقصی هر مثال دیگری از رابطه علت و معلول است که ما از طریق حس کردن یا اندیشیدن می‌شناسیم. پس بیایید آن را بیازماییم. بدیهی است که این دو توپ پیش از آنکه حرکت از یکی به دیگری منتقل شود یکدیگر را لمس کردند، و میان ضربه و حرکت هیچ وقفه‌ای نبود. بنابراین مجاورت زمانی و مکانی شرط لازم برای عمل کردن هر علتی است. به همین‌سان بدیهی است حرکتی که علت بود، بر حرکتی که معلول بود مقدم است. بنابراین، شرط لازم دیگر برای هر علتی تقدم زمانی است. اما این تمام ماجرا نیست. بیایید توپ دیگری از همان نوع را در موقعیتی مشابه بیازماییم. آنگاه در هر مورد درخواهیم یافت که تکانه^۱ یکی مولد حرکت دیگری است. بنابراین شرط سومی وجود دارد که همان اقتران مداوم میان علت و معلول است. هر شیئی مشابه علت، همواره شیئی مشابه معلول تولید می‌کند. من جز این سه شرط هم‌جواری، تقدم و اقتران مداوم نمی‌توانم چیزی در این علت کشف کنم. توپ اول در حرکت است؛ دومی را لمس می‌کند؛ دومی بلافاصله به حرکت درمی‌آید؛ و وقتی این آزمایش را با